



# روابط میان ادیان در سایه بحرانهای پیرامونی

**پروفیسور سید حسین نصر استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا در سخنرانی خود در کالج منچستر دانشگاه آکسفورد به بررسی رابط میان ادیان و بحرانهای پیرامونی می پردازد . متن این سخنرانی در زیر ارائه می شود .**

هنگامی که من برای سخنرانی در ارتباط با این موضوع دعوت شدم با خرسندی کامل این دعوت را پذیرفتم زیرا بخش اعظم فعالیت های من همواره بر درک بهتر ادیان متمرکز بوده است. به همین دلیل سعی دارم تا با ترکیب موضوعاتی که چندین بار در دانشگاه آکسفورد به سخنرانی درباره آنها پرداخته ام موضوعی دیگر که به اعتقاد من پایه هسته اصلی چالشهای فراروی ما را در حال آینده تشکیل خواهد داد به بررسی این مسئله بپردازم .

آنچه که من از آن سخن می گویم چالشی است ناگزیر که نمی توان برخورد با آن را به امید یافتن راه حلی احتمالی در آینده به تعویق انداخت . هیچ فاجعه ای عظیم تر از عدم وجود اراد سیاسی در میان ملتها دولتها چه چپ گرا چه راست گرا و چه دموکرات یا دیکتاتور، جمهوری یا سلطنتی یا حتی اشخاص برای مقابله با این مساله نیست . در هر نقطه ای از این طیف از موسسات سیاسی در سرتاسر جهان می توان این عدم وجود باور اراده سیاسی جهت برخورد با مسایل حیاتی بسیار مهم را یافت. این دقیقا همان نقطه ای است که نقش دین حقایق الهی به عنوان قدرتی نامحدود برای تحلیل وقایع و برخورد با آن به کار می آید.

در سال ۱۹۶۶ در مجموعه سخنرانی های خود در بنیاد راکفلر به این موضوع اشاره کردم که بحرانهای اجتماعی تنها نتیجه مهندسی یا طراحی نامناسب نیست بلکه در حقیقت با بحرانی معنوی مذهبی مواجه هستیم . مجموعه این سخنرانی ها در کتابی با عنوان «انسان طبیعت» منتشر گردید . نظرات من چه در هنگام ارائه این مجموعه سخنرانی ها چه در زمان انتشار کتاب به شدت با مخالفت روحانیون مسیحی نویسندگان مذهبی انگلستان مواجه گردید. من ریشه تمامی این برخورد ها را در دو نکته می دانم : نخست آنکه آن ها از خود می پرسیدند: «این جوان خاورمیانه ای کیست که درباره چنین موضوعاتی صحبت می کند؟» دوم آن که « چرا باید دین و مذهب را مسئول دانست؟».

من خود شخصا دین را مسئول نمی دانم هرگز همانند «لین وایت» «آرنولد تاینبو» که معتقد بودند مسیحیت با جبهه گیری در مقابل بسیاری از مسائل باعث بحرانهای محیطی

شده است . من با «تاینبو» همچنین « وایت » در این باره مخالف هستم . من هرگز مسیحیت را مقصر بحرانهای پیرامونی ندانسته ام اما همزمان معتقدم که نقش مذهب در بحرانهای محیطی از اهمیت به سزایی برخوردار است . از دیدگاه من هیچ تفاوتی ندارد که نقش مذهب را چگونه تعبیر کنیم .

تجربه سی سال گذشته به بسیاری از افرادی که در غرب زندگی کرده همزمان نگران ابعاد مذهبی زندگی انسان، ایمان، عقیده انسانی و نقش برجسته مذهب در زندگی انسانی هستند نشان داده است که چه نقش برجسته ای می توانند به عنوان مبلغین مذهب یا معتقدین به مذهب در جلوگیری از بحرانهای پیرامونی ایفا کنند.

تا آنجا که من می دانم هیچ کس تا کنون با جدیت به بررسی اعماق این موضوع نپرداخته است . مسئله ای با وسعت غیر قابل تصور از لحاظ تئولوژی (دین شناسی) این فلسفه هرگز به صورت عمیق و دقیق مورد توجه قرار نگرفته است. چرا؟ شاید به این دلیل که هنوز اکثریت مردم در جهانی زندگی می کنند که از لحاظ مذهبی محدود شده است . یک میلیارد چینی در کشوری زندگی می کنند که مارکسیسم سالیان دراز در آن حکمفرما بوده است . اما رفتار برخورد آنان با کوهستان درختان همچنان شبیه برخورد مردم چین در دوران کنفوسیوس می باشد. ما همگان آنچه را که پس از مرگ رئیس جمهور سابق کره شمالی (مارکسیست ترین کشور آسیایی ) در این کشور روی داد به خاطر داریم . مردم این کشور برای دعا به کوهی مقدس رفتند. در جهان غرب تنها یک اقلیت کوچک که «اینتلجنسیا» نامیده می شوند به همراه تعدادی از ساکنین شهر های بزرگ کاملا خود را از درک مذهبی طبیعت فارغ ساخته اند.

این گروه در حال حاضر برخورد خود با طبیعت را تغییر داده است . از این دیدگاه تمام جهانیان مردم آفریقا، آسیا، آمریکای جنوبی و حتی در کشورهای غربی سکولار رفتارهای روحانی- فلسفی مشابهی در قبال جهان دارند.

ابعاد مذهبی بحرانهای محیطی بسیار جدی تر از آن است که بتوان نسبت به آن بی توجه بود به ویژه با توجه به آنکه این قبیل بحرانها دارای ابعادی جهانی هستند. در اینجا قصد ندارم به دلایل ایجاد چنین بحرانهایی بپردازم هرچند صادقانه اعتقاد دارم که نوعی خاص یا شاید بهتر باشد بگویم نگاهی خاص که جهان را در حد یک شی تنزل داده بود . باعث ایجاد این چنین بحرانهای دامنه داری گردیده است . این برخورد و نگاه شی گرایانه سپس در مورد تکنولوژی نیز به کار گرفته شد . تکنولوژی به عنوان روشی برای کسب قدرت ابزاری برای تسلط بر محیط تلقی گردیده است . در چنین شرایطی بدیهی است که درک جهان به صورت موضوعی دارای ابعادی الهی به فراموشی سپرده می شود.

امروزه بحرانهای محیطی تنها محدود به غرب نمی شود. هرچند هر کودکی که در این منطقه از جهان متولد می شود تا زمان که به سن رشد می رسد بین پانزده تا سی برابر بیشتر از هر کودک دیگری که در مناطق دیگر جهان متولد می شود از منابع طبیعی زمین استفاد می کند.

در تخریب جهانی محیط زیست همگان مسئولیت دارند. از هندوها و مسلمانان گرفته تا تابعین ادیان اولیه در جزایر پولونزی یا آفریقا حتی کاتولیکها، پروتستانها، مسیحیان ارتدوکس نیز در این میان مسئولیت مشابهی دارند. شاید این موضوع از معدود مواردی باشد که تمامی جهانیان در آن سهمی یکسان دارند.

شاید تنها تفاوت در برخورد ادیان پیروان ادیان مختلف با این موضوع باشد. هرچند نفوذ رواج سکولاریسم باعث گردیده است تا این دیدگاه مذهبی تضعیف شده در نهایت انسان با تخریب محیط زیست با به کار گیری تکنولوژی مدرن در ایجاد بحرانهای محیطی دخیل باشد.

به هر حال این مسئله از بزرگترین پارادوکسهای جهان معاصر است . ما در مورد هر موضوعی با هم اختلاف داریم اما در مورد این که چگونه جهان را تخریب می کنیم ،اتفاق نظر کامل میان ما وجود دارد . نظرات مخالف ابراز شده نیز تنها

**ما در مورد هر موضوعی با هم اختلاف داریم اما در مورد این که چگونه جهان را تخریب می کنیم ، اتفاق نظر کامل میان ما وجود دارد . نظرات مخالف ابراز شده نیز تنها متعلق به جمع کوچکی است که معمولاً توجه چندانی به آن معطوف نمی شود**



متعلق به جمع کوچکی است که معمولاً توجه چندانی به آن معطوف نمی‌شود حتی هنگامی که این اعتراضات باعث می‌شود تا اقدامات صورت گیرد این اقدامات تنها جنبه تزئینی دارد . پارادوکس بزرگ اینجا ست . ما به تمام ابعاد این مسئله که اهمیت حیاتی برای همه ما دارد کاملاً واقفیم اما همگی در توافقی نامکتوب به دنبال یافتن راه حل نیستیم بلکه تنها یافتن راه حل را روز به روز به تعویق انداخته در نتیجه به وضعیتی می‌رسیم که این مسأله دیگر قابل حل نخواهد بود .

در چنین شرایطی است که ادیان جهان که نمی‌خواهند از یکدیگر عقب بمانند ، دست در دست یکدیگر داده حتی با همکاری نیروهای سکولار با صدور بیانییه‌های متعدد خواهان یافتن راه حلی برای بحرانهای محیط هستند .

مسأله جالب توجه اینجا است که به استثنای برخی ادیان اولیه در آمریکای شمالی نقاط دور افتاده دیگر پیروان سایر ادیان مذاهب در طی چند دهه گذشته به شدت نسبت به اهمیت محیط زیست حساسیت خود را از دست داده‌اند . آنها همگی درگیر مسابقه صنعتی شدن گردیده‌اند و میخواهند به هر نحو ممکن از این قافله عقب نمانند . من یک مسلمان هستم به عنوان یک مسلمان سخن می‌گویم . چه مقدار از پیروان اسلام نسبت به محیط زیست واقف هستند چه تعداد از اهمیت محیط زیست از لحاظ مذهبی آگاهند تعداد افرادی که در این مورد به اظهار نظر پرداخته اند را می‌توان با انگشتان دو دست شمرد .

مدتهای مدید، من تنها شخصی بودم در جهان اسلام که به وضوح از این موضوع سخن می‌گفت . این مسأله در مورد هندوهای ساکن هندوستان، بودائیان ساکن برمه و ژاپن نیز صادق است ژاپن کشوری است که بدترین آمار مربوط به تخریب محیط زیست در جهان را دارا است .

ادیان غیر مسیحی جهان که همواره دیدگاههای خاص خود را در مورد مسائل طبیعی داشتند حداقل در مقایسه بایستی اهمیت بیشتری برای محیط زیست قائل بودند نیز هم اکنون به خواب فرو رفته‌اند یا اقدام چندانی انجام نداده‌اند.

در طول چند قرن گذشته تمامی مباحثی که در مورد درک‌های غیر مذهبی گروه‌های ایمان‌گریز و غیره برگزار شده است یا گردهمایی‌هایی چون کنگره جهانی مذهب یا کنگره مذاهب در شیکاگو و غیره همواره دو عنصر اساسی را شامل می‌شد: نخستین عنصر درک وجود خداوند است . موضوعی که پایه اساس مفهوم دین را تشکیل می‌دهد . مسأله دیگر طبیعت زندگی بشری، جامعه، قومیت ها ، مذاهب .... بود در این میان سومین واقعیت زندگی بشری که همان محیط زیست پیرامون اوست هیچ گاه مورد اشاره قرار نگرفته است .

من کاملاً مطمئنم که اگر ما در اثر آنچه که بر محیط روا می‌داریم خود را به دستان مرگ نسپاریم- اگر هنوز فرصت کافی در اختیار داشته باشیم -توجه به موضوع محیط زیست هر لحظه اهمیت بیشتری خواهد یافت . اساتید بزرگ در مطالعه تطبیقی ادیان با ارتقای متافیزیکی مذهب به سطح حقیقی که ما می‌توانیم آن را به عنوان قطب معنوی واقعیت در نظر بگیریم گام های بزرگ برداشته اند . اکنون ما باید همین تعلیمات را به خدمت گرفته آن را در جهت لحاظ ساختن «زمین» هماهنگ سازیم . شاید توجه به این موضوع جالب باشد که بسیاری از افراد در نهایت این موضوع را به عنوان واقعیتی ماورالطبیعه در نظر می‌گیرند . بسیاری از آنان زمین را واقعیتی می‌دانند با آمیخته ای از مسایل حضوری دینی . اما متأسفانه این دیدگاه ها هرگز توسط دیدگاه جاری حاکم در کلیساهای مسیحی غرب یا کنیسه‌های یهودی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

اجازه بدهید نگاهی دقیق به مذاهب گوناگون داشته باشیم. اگر می‌خواهیم به این موضوع بپردازیم که مطالعه جهان از لحاظ طبیعت شناختی باید چگونه باشد باید ابتدا این مسأله را بررسی کنیم که آیا ایجاد زمینه مشترک میان ادیان مختلف در این زمینه ممکن است . بسیاری همانند من اعتقاد دارند که یک زمینه مشترک وجود دارد که می‌تواند به عنوان زمینه اشتراک تمام

ادیان مختلف قرار گیرد . این زمینه مشترک وجود الهی یا حقیقت نهایی است . من همواره این مسأله را تکرار کرده ام که دکترین توحید که منشاء اساس دین اسلام است خود یگانه است (توحید وحید) . نه تنها یک واقعیت غایی وجود دارد بلکه دکترین مربوط به آن واقعیت نیز منحصر به فرد است . بنابر این شخص نمی‌تواند حقایق مذهبی در اختیار داشته باشد که در بالا ترین سطح علمی متافیزیک به کثرت و نه وحدت منجر می‌شود . این باور که هیچ واقعیت جهانی مشترک در ادیان وجود ندارد باعث می‌شود که تصویری هم آسوده از خداوند حاصل شود .

ادیان مختلف از قریب چهارده گروه دیدگاه‌های مشترک اصلی در زمینه خلقت محیط زیست برخوردارند . نخست آنکه مذاهب اولیه ای وجود دارد که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته اند یا تحت تأثیر ادیان بزرگتر یا بالاتر منسوخ شده اند . در حال حاضر حدود سیصد میلیون نفر در جهان وجود دارند که به نوعی

**دکترین توحید که منشاء اساس دین اسلام است خود یگانه است (توحید وحید) . نه تنها یک واقعیت غایی وجود دارد بلکه دکترین مربوط به آن واقعیت نیز منحصر به فرد است . بنابر این شخص نمی‌تواند حقایق مذهبی در اختیار داشته باشد که در بالاترین سطح علمی متافیزیک به کثرت و نه وحدت منجر می‌شود**

پوشش یک کلمه صورت می‌گیرد: «توسعه» این تخریب گسترده در آمریکا به این دلیل صورت می‌گیرد که حداقل از چهل هزار سال گذشته تمدنهایی که در این کشور به حیات خود ادامه داده اند طبیعت را به عنوان معبد و جایگاه خود معرفی کرده اند بنابراین به حفاظت از محیط زیست برای ساکنین جهان مدرن این امکان را به وجود آورده اند که به تخریب محیط زیست بکر و دست نخورده این سرزمین بپردازند .

پارکهای ملی ایالات متحده از جمله زیباترین پارک ملی این کشور مانند پارک ملی یلوالتون زمانی مرکز تمدنهای قدیمی بسیاری بوده اند . تمدنهایی که بیش از دهها هزار سال محیط زیست خود را حفظ کرده اند این محیط زیست میراث عظیمی است که نشانگر تطابق سبک زندگی پیشینیان با شرایط محیطی است . این توانایی است که امروزه در سایه عدالت در مورد



قداست‌زدایی از طبیعت رنگ باخته است . ما با استفاده از اشکال مختلف تکنولوژی مدرن طبیعت را به نابودی می‌کشانیم .

دیدگاه مذهبی دیگری در مورد طبیعت محیط پیرامون انسان مربوط به دو سنت باستانی چین می‌شود کنفو سیونیسیم و تائوئیسم سنت باستانی چین است که امروزه در کره و آسیای جنوب شرقی جایگاه خود را حفظ کرده است . مطابق نظرات کنفوسیوس قوانین حاکم بر طبیعت و قوانین حاکم بر وجود انسان کاملاً یکسان می‌باشد . از دیدگاه تائوئیسم نیز تائوی وجود انسان تائوی طبیعت یکسان می‌باشد. در تمامی مذاهب باستانی دیگر نیز این یگانگی مفاهیم را می‌توان به وضوح مشاهده کرد . در زبان چینی واژه (Li) همزمان به طبیعت انسان اشاره دارد، در این ادیان مفهوم ایمان انسان بسیار مشابه با هماهنگی وی با طبیعت است .

این مذاهب یا مذاهب دیگر دارای تفاوت هایی نیز می‌باشند. آنها هرگز در مورد منشاء طبیعت یا ایده منشاء ماورالطبیعی سخن نمی‌گویند در کنفوسیوسیم هرگز در باره خلقت جهان سخن گفته نمی‌شود . از دیدگاه این مذاهب آسیای دور جهان واقعیتی است مفروض بنا بر این مسئله خلقت جهان که از جمله اساسی ترین مفاهیم مورد بحث در مسیحیت، اسلام یهود ، زرتشت و حتی هندوئیسم محسوب می‌گردد در اندیشه مذهبی آنان جایی ندارد . آنان تنها به قوانین اراده الهی می‌پردازند که در تمامی جهان جاری است ما باید با تعقیب پیروی از آن به شادی سعادت دست یابیم . در حقیقت در این دیدگاه هیچ انعکاسی میان انسان و طبیعت وجود ندارد. در این ادیان به ویژه در کنفوسیوسیم همواره سخن از هویت دوگانه انسان طبیعت می‌شود. در چنین شرایطی مفهوم تسلط انسانی با جهان جز با برداشتی مبنی بر تسلط انسان بر احساسات یا ( خود پائین تر ) قابل توجیه نیست .

باور